

قضاوت انسانی

چقدر صحیح است و چگونه می تواند بهتر شود؟

سرشناسه: ویلکاکس، جان؛ Wilcox, John

عنوان و نام پدیدآور: قضاوت انسانی چقدر صحیح است و چگونه می‌تواند بهتر شود؟/ نوشته جان ویلکاکس؛ ترجمه یاسر خوشنویس.
مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی و هنری دیدگاه کاوش و سازندگی دکسا، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۵۰-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Human judgment : how accurate is it, and how can it get better?, 2022.
یادداشت: کتابنامه.

موضوع: قضاوت [Judgment]

تصمیم‌گیری -- جنبه‌های روان‌شناسی [Decision making -- Psychological aspects]

شناسه افزوده: خوشنویس، یاسر، ۱۳۶۱ -، مترجم

رده بندی کنگره: BF۴۴۷

رده بندی دیویی: ۱۵۳/۴۶

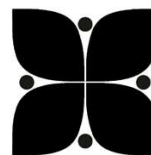
شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۷۹۸۱۹

قضاوت انسانی

چقدر صحیح است و چگونه می‌تواند بهتر شود؟

جان ویلکا کس

ترجمه یاسر خوشنویس



مؤسسه فرهنگی دُکسا

عنوان: قضاوت انسانی
چقدر صحیح است و چگونه می‌تواند بهتر شود؟

نویسنده: جان ویلکاکس

مترجم: یاسر خوشنویس

ویراستار: ترو حسینی

طراح جلد: غزل بیضاوی‌نژاد

صفحه‌آرا: سیده سمانه حسن‌زاده

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۸۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۵۰-۱

مؤسسه فرهنگی دیدگاه کاوش و سازندگی (دُکسا)

نشانی: ایران، تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵۹۴۳

Email: publication@doxa-v.org

 doxa__vision

تلفن: ۰۲۱۵۴۹۳۲۲۲۲

www.doxa-v.org

فهرست

تاریخچه فلسفه مهارت.....	۱
یادداشت مترجم.....	۵
قدردانی.....	۹
فصل ۱: مقدمه.....	۱۱
فصل ۲: صحت قضاوت چیست؟ مفاهیم و سنجه‌ها.....	۲۷
فصل ۳: آنچه می‌اندیشیم: صحت قضاوت‌هایمان.....	۷۷
فصل ۴: چگونه تفکرمان را ارزیابی کنیم: صحت فراشناخت‌مان.....	۱۱۷
فصل ۵: چگونه فکر می‌نیم: عقلانیت استدلال‌مان.....	۱۲۹
فصل ۶: چگونه ساخته شده‌ایم: خاستگاه‌های فرگشتی تفکرمان.....	۱۶۷
فصل ۷: چه چیزی با صحت همبستگی دارد:.....	۲۰۱
فصل ۸: چگونه می‌توانیم صحیح‌تر قضاوت کنیم:.....	۲۳۷
فصل ۹: خاتمه.....	۲۷۵
ضمیمه: قضاوت‌ها و عواطف.....	۲۷۹

تاریخچه فلسفه مهارت

دانش بدون مهارت و مهارت بدون دانش در دنیای به سرعت در حال تغییر امروز از مشکلات زندگی ماست. تقدم و تأخر، و نسبت دو مفهوم «مهارت» و «دانش» همواره میان فیلسوفان و اندیشمندان در شرق و غرب مورد مناقشه بوده است. از بودا، دائو، افلاطون، ارسطو، کانت، مندلسون، تارایل، آنسکامپ، و دریفوس در دوران معاصر با رویکردهای مختلفی به موضوع مهارت پرداختند. در فلسفه شرق همچون افلاطون عمدتاً مهارت را در نسبت با امر اخلاقی و فضیلت در نظر می گرفتند. اما در ارسطو رویه قدری تغییر کرد، او مطابق با نظریه عمل از مفهومی با عنوان فرونیسیس استفاده می نمود. ارسطو می گفت دانستن و معرفت ما در خصوص موضوعی لزوماً به معنای عمل کردن و انجام آن نیست. اما در افلاطون مفهوم تخته دامنه گسترده ای چون صنعت، حرفه، تخصص و مهارت را در بر می گرفت. او حتی بر این باور بود فضیلت نیز چون مهارتی مانند نجاری قابل اکتساب است. این مناقشه در مندلسون و کانت نیز به شکلی دیگر وجود داشت. البته رایل با ارائه مفهوم «دانش به چگونگی» موضوع مهارت را مقدم بر معرفت تلقی می کرد و معرفت را نوعی از دانش به چگونگی می دانست. در رویکردهای معاصر آنسکامپ با ارائه مفهوم «معرفت کاربردی» و دریفوس مبتنی بر رویکرد بدنمندی از مفهومی با عنوان «هوش بدنمند و کاربردی» به موضوع

مهارت پرداختند. علاوه بر مباحث تاریخی و معرفت‌شناسی، به وضوح نسبت مهارت با مفاهیمی همچون عامل، هوش، ادراک، هیجان، شناخت اجتماعی، زبان و مباحث هنجاری نیز در فلسفه مهارت مهم به‌نظر می‌رسند.

مهارت در جهان امروز

جدا از مباحث نظری و فلسفی، امروزه موضوع مهارت به لحاظ کاربردی نیز محل بحث و مناقشه‌های جدی است. در دنیای به سرعت در حال تغییر و با عوامل رو به گسترشی چون هوش مصنوعی، اتوماسیون، تغییرات اقلیمی، و همه‌گیری‌های احتمالی پیش‌رو به‌نظر می‌رسد با مسئله‌های جدیدی روبرو شویم که پیش از این تجربه آن را نداشتیم. برای مواجهه با این موضوع نه تنها نیازمند آگاه شدن و دانستن شرایط جدید هستیم که نیازمند چیزی بیش از آن نیز هستیم. در این شرایط به‌غیر از دانایی ضروری است بر توانایی خود برای مواجهه با این مسائل بیفزاییم. اما توانایی در چه چیزی؟ به‌طور کلی می‌توان این توانایی‌ها را به دو دسته مهارت‌های نرم و مهارت‌های سخت تقسیم کرد. منظور از مهارت‌های سخت، تخصص‌های شغلی چون جوشکاری، نوازندگی، مهندسی عمران، پزشکی و است که مراحل کسب این قبیل مهارت‌ها مشخص است.

اما دسته دوم نیز بسیار متکثر و متنوع است. مهارت‌های نرم با دسته بندی‌ها و سرفصل‌های متنوعی ارائه شده است ولی در دُکسا این مهارت‌ها را در سه دسته کلی عرضه نموده‌ایم. مهارت‌های نرم در محیط کاری، مهارت‌های نرم در زندگی روزمره، و مهارت‌های نرم برای کودک و نوجوان. این کتاب در دسته مهارت‌های نرم در محیط کاری تعریف شده است. در مؤسسه دُکسا در طرحی پژوهشی مهارت‌های نرم در محیط کاری را به شکل زیر دسته‌بندی نموده‌ایم و به فراخور آن برای افراد و سازمان‌ها، آموزش‌های کارگاهی (مبتنی بر شواهد علمی و مبانی نظری) ارائه می‌کنیم.

ردیف	نام دوره	توضیحات
۱	مهارت‌های ارتباطی	(مهارت‌های ارتباطی، و کار تیمی)
۲	مهارت‌های انعطاف‌پذیری	(تاب‌آوری، پشتکار، سازگاری، خلاقیت)
۳	مهارت خودکنترلی و تنظیم هیجان	(خودآگاهی، مهار استرس و خشم)
۴	مهارت‌های تحلیلی	(مسئله، تفکر نقاد، تصمیم‌گیری)
۵	مهارت‌های راهبردی	(مدیریت زمان، تفکر راهبردی، و رهبری)
۶	مهارت‌های اخلاق کاری	(مسئولیت‌پذیری، تعهد، انضباط، هماهنگی، حرفه‌ای‌گری)

فعالیت‌های مؤسسه با تأکید بر افزایشِ انعطاف‌پذیری افراد برای تطبیق خود در شرایط جدید و به‌هنگام مواجهه با مسئله‌های جدیدِ ناشناخته متمرکز است. در چنین شرایطی لازم است با خلاقیت راه‌های متنوع و بدیلی ارائه کنیم و سپس نقادانه مناسب‌ترین گزینه‌ها را برگزینیم. این مهارت با به‌خلاف مهارت سخت از هر موقعیتی به هر موقعیت دیگری قابل انتقال‌اند. مهارت‌ها هم ذاتی و هم اکتسابی هستند و با ملاحظاتِی که گفته شد نیازمند پرورش و ارتقاء آن نزد خود و اطرافیان خود هستیم.

خود را برای جهان در حال تغییر آماده کنیم.

میلاد حسینیان

یادداشت مترجم

ما هر روز به دفعات قضاوت می‌کنیم. قضاوت‌هایی درباره‌ی کوتاه‌ترین مسیر برای رسیدن به محل کار؛ اینکه همکاری که به تازگی با او آشنا شده‌ایم، مسئولیت‌پذیر نیست؛ اینکه فردا باران نخواهد آمد؛ رستورانی که ابتدای خیابان واقع شده، غذاهای باکیفیتی دارد و غیره و ذلک. ما در بسیاری از مواقع، به نحوی نسبتاً خودکار بر اساس اطلاعاتی که داریم، دست به قضاوت می‌زنیم و در بسیاری از موارد، درستی یا صحت قضاوت‌هایمان را هم بررسی نمی‌کنیم. اما نکته‌ی شاید مهم‌تر این است که ما بر اساس این قضاوت‌های کمابیش خودکار، دست به عمل می‌زنیم: تصمیم می‌گیریم از خیابان یا بزرگراه خاصی به سمت محل کارمان برویم؛ از همکار جدیدمان فاصله می‌گیریم؛ بر این اساس که فردا باران نخواهد آمد، اتومبیل‌مان را می‌شوئیم و فردا زیر باران دوباره کثیف می‌شود؛ تصمیم می‌گیریم از رستوران ابتدای خیابان برای مهمان‌هایمان غذا سفارش بدهیم و مانند اینها. گاه این تصمیم‌ها اهمیت خیلی زیادی ندارند و اشتباه کردن در مورد آنها ما را چندان نگران نمی‌کند. اما گاه قضاوت ناصحیح می‌تواند پرهزینه باشد؛ مانند اشتباه در تشخیص بیماری فردی که او را بیهوش به اورژانس رسانده‌اند یا اشتباه در مورد گناهکار بودن یا بیگناهی یک متهم به قتل. کتاب حاضر درباره‌ی قضاوت‌های ماست؛ موضوعی که در دهه‌های

اخیر به عنوان بخشی از روان‌شناسی شناختی و همچنین، به عنوان بخشی از دانش نسبتاً نوظهور «معرفت‌شناسی تجربی»، موضوع مطالعه‌های بدیع و جالب توجهی بوده است. در کتاب، با مجموعه‌ای از پرسش‌های بااهمیت مواجه می‌شویم و برخی از پاسخ‌های محتمل را به آن‌ها مرور خواهیم کرد. پرسش‌هایی از این دست: اصلاً چگونه می‌توانیم صحت قضاوت‌هایمان را بسنجیم؟ بر اساس بهترین سنجه‌هایی که در اختیار داریم، قضاوت‌های ما چه در مورد موضوعات روزمره و چه در مورد موضوعات فنی مانند تشخیص پزشکی، پیش‌بینی رویدادهای سیاسی یا تصمیم‌گیری‌های قضایی تا چه اندازه صحیح‌اند؟ چرا مجموعه نسبتاً بزرگی از قضاوت‌های ما ناصحیح از آب در می‌آیند؟ و شاید مهم‌تر از همه، چگونه می‌توانیم بهتر قضاوت کنیم؟ جان ویلکاکس در این کتاب که در سال ۲۰۲۲ منتشر شده است، مجموعه‌ای از مطالعات تجربی را با استدلال‌های نظری تلفیق می‌کند تا به پرسش‌های مذکور پاسخ دهد. این مطالعات و استدلال‌ها در کنار یکدیگر نشانگر مسیری‌اند که شاید خیلی دیر وارد آن شده‌ایم: در حالی که ما انسان‌ها قرن‌هاست به طور مداوم قضاوت می‌کنیم، مطالعات نظام‌مند در مورد سنجه‌های صحت قضاوت، میزان صحیح یا ناصحیح بودن قضاوت‌هایمان، چرایی ناصحیح قضاوت کردن‌هایمان و نحوه بهبود قضاوت‌هایمان تنها در سال‌های اخیر بسط یافته است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد باید منتظر یافته‌ها، استدلال‌ها، تبیین‌ها و توصیه‌های بیشتر و بیشتری در این زمینه در سال‌های آتی باشیم.

گذشته از مسائل نظری درباره قضاوت که موضوع فصل‌های آغازین کتاب است، بهتر کردن قضاوت‌هایمان نیاز به تمرین دارد. موضوعی که در فصول پایانی کتاب به آن پرداخته می‌شود. علاوه بر این، قضاوت‌ها و عواطف ما ارتباط نزدیکی به یکدیگر دارند. ضمیمه کتاب بحثی مختصر اما ارزشمند را در این باره ارائه می‌کند.

از دوست عزیزم، دکتر هادی صمدی، ممنونم که این کتاب را برای ترجمه پیشنهاد کرد. همچنین از مدیران و همکاران نشر دکسا برای فراهم کردن امکان انتشار کتاب قدردانی می‌کنم. ترجمه کتاب تجربه‌ای خوشایند بود و سهل‌تر و سریع‌تر از آنچه تصور می‌کردم پیش رفت، چرا که موضوع و محتوا چنان جالب بود که با کنجکاوی و علاقه زیادی آن را دنبال می‌کردم. با این همه، ذکر این نکته ارزشمند است که خواندن و نوشتن و ترجمه کردن درباره قضاوت صحیح یک امر است و تمرین کردن برای آنکه صحیح قضاوت کنیم، امری دیگر. «مهارت» صحیح قضاوت کردن، همانند هر مهارت دیگری، تنها با خواندن حاصل نمی‌شود؛ بلکه به تأمل و واکاوی مداوم، به کار بستن توصیه‌ها و تمرین کردن نیاز دارد. امیدوارم این کتاب فرصتی را برای آگاهی از ابعاد مختلف موضوع مهم قضاوت کردن و همچنین، تمرین کردن مهارت قضاوت صحیح فراهم آورد.

یاسر خوشنویس

شهریور ۱۴۰۲

فصل ۱

مقدمه

۱.۱. صحت قضاوت: چرا مهم است

بگذارید داستانی را برایتان بازگو کنم؛ داستانی کاملاً واقعی. در شهری نسبتاً آرام در استرالیا، مادری دربارهٔ سلامت ذهنی پسرش نگران شده بود. رفتار پسر به مرور بدتر شده بود و او به توهم و باورهای عجیب دچار می‌شد. در نتیجه، پسر به دفعات در بیمارستان بستری شد و به خانه بازگشت. سپس، یک روز بدون پیراهن وارد یک پاسگاه پلیس شد، به شدت عرق می‌ریخت و ادعا می‌کرد که همسایه‌اش یک قاتل سریالی است. همان شب پسر را به بیمارستان فرستادند. به رغم این واقعه، پسر صبح روز بعد آرام به نظر می‌رسید و پزشکان که ظاهراً قضاوت^۱شان این بود که «خطری کسی را را تهدید نمی‌کند»، پسر را به رغم نگرانی‌های مادرش مرخص کردند. در نتیجه، پسر به خانه رفت و روز بعد دستوری از جانب خدایان شنید که خانواده‌اش را به قتل برساند و سرانجام، با یک چاقوی آشپزخانه ۱۴۶ ضربه به مادرش، برادر و خواهر کوچک‌ترش وارد کرد و موجب مرگ آنها شد.^۲

داستان پایان خوشی نداشت و آن را با وجود ناگوار بودنش بازگو کردم

1. judgement

2. Ramsey, 2021; Rennie, 2021